

تسبیب در امور کیفری و رابطه آن با فاعل معنوی در حقوق موضوعه

بابک پورقهرمانی^۱

چکیده

از نظر حقوقی یکی از مصادیق مداخله اشخاص در ارتکاب جرم «تسبیب» می باشد این نوع مداخله را قوانین کیفری صرفاً در باب جنایات به رسمیت شناخته اند و در سایر جرایم قوانین ما ساکت است در حالیکه تسبیب اختصاص به جرایم مذکور نبوده و در غالب سایر جرایم نیز قابل تحقق است. هر چند مسولیت سبب با توجه به نوع جرایم کمی متفاوت به نظر می رسد.

اصولاً با توجه به اینکه نقش سبب در تحقق جرایم مع الواسطه است مباشری هم در کنار سبب وجود دارد که در این صورت نحوه مسولیت سبب با توجه به شقوق مختلف از جمله اجتماع سبب و مباشر، اجتماع اسباب و... متفاوت خواهد بود.

در کنار سایر اشخاص مداخله کننده در ارتکاب جرم اصطلاح ناشناخته فقه و قوانین موضوعه ما تحت عنوان «فاعل معنوی» به حقوق موضوعه ما وارد شده است که به نظر می رسد فاعل معنوی هم به نوعی سبب تلقی میشود ولی با تفاوت عنوان. مقاله حاضر به بررسی تسبیب از منظر حقوق کیفری و مسائل پیرامون آن و ارتباط آن با فاعل معنوی می پردازد.

واژگان کلیدی: تسبیب، سبب، مباشر معنوی، مباشرت

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

مقدمه

دخالت اشخاص در ارتکاب جرم به صور مباشرت، شرکت و معاونت است و مسولیت کیفری هم بر مبنای آن خواهد بود یعنی غیر از اشخاص مذکور شخص دیگری را نمی توان قابل تعقیب و مجازات دانست شاید به همین خاطر است که ماده ۵ ق. آ. د. ک بیان میدارد که «تعقیب امر جزایی فقط نسبت به مباشر، شریک و معاون جرم خواهد بود».

منظور از مباشر کسی است که عنصر جرم مستقیماً توسط او و بدون واسطه کسی واقع می شود؛ منظور از شریک کسی است که عنصر مادی جرم مستقیماً توسط دو یا چند نفر انجام می گیرد. و منظور از معاون آن کسی است که بدون آنکه در عملیات اجرایی جرم (عنصر مادی) دخالت داشته باشد شخص مباشر یا شریک را در ارتکاب جرم یاری دهد.

و در کنار اینها قسم چهارمی در حقوق ما تحت عنوان «تسبیب» پیش بینی شده است^۱ که ماده ۳۱۸ ق. م. ا. آنرا تعریف کرده است و بعلاوه فروعاً دیگری نیز در باب تسبیب وارد شده است از جمله اجتماع سبب و مباشر و یا اجتماع اسباب. و نیز علاوه بر آن اصطلاح دیگری وارد حقوق ما (نه قانون) شده است که تحت عنوان «فاعل معنوی» می باشد؛ و منظور از آن کسی است که جرم را به وسیله اشخاص یا طرق دیگر انجام دهد بدون آنکه مادماً در انجام جرم دخالت داشته باشد

^۱- اشکالی که در اینجا می رسد اینکه چرا قانونگذار در ماده ۵ ق. آ. د. ک تسبیب را ذکر نکرده است و ممکن است این توهم ایجاد شود که تعقیب امر جزایی نسبت به سبب امکان ندارد در حالی که این تصور باطل است و ماده ۵ ق. آ. د. ک از این جهت ایراد دارد.

مثل اینکه سارق برای سرقت از طفل غیر ممیز استفاده کند بدون اینکه مستقیماً مال مسروقه را بردارد.

حال سؤال این است که آیا این تاسیس حقوقی در حقوق و شرع ما ناشناخته است و یا اینکه عنوان واصطلاحش فرق می کند و به نوعی در حقوق ما وجود دارد؟! لازمه چنین بحثی؛ ابتدا شناخت مفهوم دقیق تسبیب و مسایل پیرامون آن را اقتضا می کند و بعد از آن به این سؤال پاسخ داده خواهد شد .

۱- مفهوم تسبیب

۱-۱ - از منظر فقهی

فقها در تعریف سبب به تفصیل سخن گفته اند و به نقد و بررسی تعریفهای یکدیگر پرداخته اند . و سبب را نیز گاهی در کتاب الغصب بیان کرده اند و گاهی در کتاب الدیات .

محقق در شرایع می گوید : « التسبیب وهو كل فعل يحصل التلف بسببه كحفر البئر فی غیر الملك »

(محقق حلی، ۱۴۱۰: ۲۱۴) یعنی تسبیب عبارت است از هر فعلی که تلف به سبب او حاصل گردد مانند کندن چاه در غیر ملک خود . در تحریرالوسیله آمده است : « والمراد بها هنا كل فعل يحصل التلف عنده بعلة غيره بحيث لولاه لما حصل التلف كحفر البئر ونصب السكين و القاء الحجر وایجاد المعثر ونحوها » (امام خمینی ۱۳۷۹: ۹۴۴) مراد از اسباب در اینجا هر فعلی است که تلف شدن آن به علت دیگری تحقق یابد به گونه ای که اگر آن فعل نبود تلف پدید نمی آمد مثل کندن چاه ، نصب چاقو ، افکندن سنگ ، ایجاد لغزشگاه و غیره و . . .

همچنین صاحب جواهر می فرماید که «سبب به چیزی اطلاق می شود که هر گاه وجود نمی داشت تلف و جنایت واقع نمی شد لیکن علت تلف غیر از سبب آن است مانند کندن چاه و گذاشتن سنگ در رهگذر مردم که موجب تلف افراد می شود اما علت ، تلف لغزش افراد است نه این امور» (نجفی؛ ۱۴۰۴: ۹۵) برخی دیگر معتقدند، سبب چیزی است که اگر نباشد تلف صورت نمیگیرد ولی علت تلف چیز دیگری است (محقق حلی، ۱۴۱۰: ۳۰۶؛ علامه حلی، ۲/ ۲۶۴)

از عبارات فوق و سایر تعریفهای فقها می توان گفت که سبب به چیزی اطلاق می شود که بطور غیر مستقیم وبا واسطه موجب جنایت گردد و علت تامه یا جزء اخیر علت نیست که از وجودش وجود معلول و مسبب و از عدمش عدم آن لازم بیاید بلکه تنها از نبود آن، نبود مسبب لازم می آید (قبله ای؛ ۱۳۸۰: ۱۷۸) به سخن دیگر سبب چیزی است که اگر وجود نمی داشت تلف واقع نمی شد لیکن علت تلف غیر از سبب آن است ، مانند کندن چاه و کار گذاشتن چاقو (مختصرالنافع، ۱۴۱۰: ۳۰۶)

۲-۱ - از منظر حقوقی

قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۱۸؛ تسبیب را با الهام از منابع فقهی بدین صورت بیان کرده است: «تسبیب در جنایت آن است که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود بطوریکه اگر نبود جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند» با توجه به این تعریف در تسبیب شخص بطور مستقیم مباشر تلف کردن مال یا [جنایت] نیست ولی مقدمه تلف آنرا فراهم می کند یعنی کاری انجام می دهد که در نتیجه آن کار یا همراه با علت‌های دیگر تلف یا [جنایت] واقع می شود. به نحوی که عرف ورود ضرر را منسوب به او میداند. (کاتوزیان؛ ۱۳۸۲: ۲۱۶)

با توجه به تعریف ارایه شده ، نکاتی درباره تسبیب لازم به ذکر است :

۱- یکی از نویسندگان معتقد است که «تعریف ارایه شده از تسبیب مشتمل بر دوراست زیر معرف در تعریف اخذ شده است به بیان دیگر ماده ۳۱۸ چنین می شود :

ایجاد سبب در جنایت آن است که انسان سبب تلف شدن . . . چنانکه می بینیم لفظ سبب هم در معرف وهم در تعریف آورده شده است » (گرجی؛ ۱۳۸۰: ۱۰۰)

۲- اشکال دیگری که بر این تعریف وارد است این است که تسبیب محض در صورتی است که صاحب سبب ، قصد قتل را با آن نکرده و ایجاد آن هم نوعاً موجب قتل نشود والا در حکم مباشرت است . در تسبیب محض صاحب سبب وقتی ضامن است که مقصر باشد و یا قانون گذار تعبداً آنرا ضامن دانسته باشد والا ضامن نیست .

(همان)

۳- نکته دیگر که در ماده ۳۱۸ قابل توجه است اینکه؛ تعریف ارایه شده شرط را در بر می گیرد . منظور از شرط عبارتست از هر اقدامی را که به نوعی زمینه تأثیر گذاری مباشر یا سبب را فراهم کند ولی خود تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد و امکان نسبت دادن حادثه به آن وجود نداشته باشد (علامه حلی : ۵۸۹) به عبارتی شرط چیزی است که از وجود آن معلول لازم نمی آید ولی عدم آن موجب عدم تحقق معلول می شود . بنابراین سبب و شرط از این جهت با هم شباهت دارند که هر کدام نباشد حادثه واقع نخواهد شد . اما از این جهت با هم تفاوت دارند که سبب اثر تولیدی دارد و امکان نسبت دادن حادثه به آن هر چند به صورت غیر مستقیم وجود دارد . برخلاف شرط که هیچ تأثیر ایجابی ندارد و صرفاً زمینه ساز است . (قیاسی و دیگران : ۱۳۸۸ : ۱۵۷ و میر محمد صادقی : ۸۶ : ۴۶) لذا شایسته بود که قانون گذار قید انتساب جنایت به سبب را در تعریف ذکر می کرد .

۴- بحث دیگری که در مورد تعریف و خود ماده ۳۱۸ قابل توجه است جایگاه آن ماده است. سوال این است که چرا ماده مذکور در بحث جنایات و در باب دیات ذکر شده است؟ و چرا در تعریف از جنایات سخن گفته شده است؟! منظور از طرح این سوالات توجه به این نکته است که آیاتسبیب در دیگر جرایم قابل تحقق نیست تا در نتیجه آن در بخش کلیات قانون مجازات اسلامی ذکر می شد نه در باب دیات.

اولاً اینکه؛ در باب جنایات تسبیب اختصاص به دیات ندارد، بلکه جنایات اعم از عمد و یاغیر عمدی بصورت مباشرت یا تسبیب هم واقع می شود. و قانون مجازات اسلامی در مواد مختلفی^۱ بر این امر صحه گذاشته است بنابراین تسبیب در جنایات مستوجب قصاص هم امکان و صورت می گیرد.

ثانیاً: آیا در غیر جنایات و یا به عبارتی؛ در دیگر جرایم؛ وقوع جرم به صورت تسبیب امکان ندارد؟! به نظر می رسد که این تصور صحیح نبوده و حتی در برخی جرایم خود قانون گذار به عامل تسبیب اشاره کرده است. مثلاً در بحث سرقت حدی تبصره ۲ ماده ۱۹۸ ق. م. ۱ به بحث ارتکاب جرم از طریق تسبیب اشاره دارد یا در بحث تسبیب در جنایت (باب هفتم) در خیلی از مواد از خسارت صحبت می کند و یا در تبصره ماده ۲ قانون مبارزه با مواد مخدر آمده است « هر گاه ثابت شود کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه به دستور مالک و یا مستأجر ملک و یا قائم مقام قانونی آنها صورت گرفته است شخص دستور دهنده که سبب بوده است به شرط آنکه اقوای مباشر باشد به مجازاتهای مقرر در این ماده محکوم می شود . . . »

^۱ - برای نمونه به مواد ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹ ق.م.ا رجوع کنید.

با این وضع ، در جرایم مستوجب حد گرچه امکان ارتکاب جرم بصورت تسبیب وجود دارد ولی آیا سبب را می توان مانند مباشر مجازات کرد ؟

مثلا کسی که سبب وقوع جرم زنا یا شرب خمر را فراهم آورده است آیا فاعل این جرمها محسوب می شود و به مجازات حد محکوم می شود ؟ فقهای امامیه تسبیب در ارتکاب جرم را فقط در جرمهای موجب قصاص و دیه مطرح کرده اند و در دیگر جرایم تسبیب را مطرح نکرده اند (به استثناء سرقت) این نشان می دهد که تسبیب در دیگر جرایم از نظر آنها منتفی بوده است و امکان مسول شناختن سبب در حد مسولیت مباشر وجود نداشته است . و تنها چیزی که مانع از جریان قاعده تسبیب در جرایم حدی می شود عدم صدق عرفی است یعنی سبب قتل را عرفاً قاتل می گویند ولی سبب زنا را زانی نمی گویند . والا قاعده اقتضا می کند که سبب در این جرایم نیز مانند مباشر قابل مجازات باشد . (قیاسی و دیگران : ۱۳۸۸ ، ۱۶۰ و عوده : ۱۳۷۳ : ۱۸۳) ولی در جرایم تعزیری نمی توان این استدلال را کرد و به عبارتی در جرایم تعزیری امکان ارتکاب جرم بصورت تسبیب وجود دارد و صدق استناد عرفی وقوع جرم به سبب وجود دارد . (رک : عوده ؛ ۱۳۷۳ : ۱۸۳) با این توصیف از نظر جایگاه ؛ مفاهیم مباشرت و تسبیب در باب کلیات قانون مجازات اسلامی است نه در باب دیات .

۵- نکته قابل بحث دیگری که در اینجا وجود دارد ؛ وجود شرط تقصیر یا عدم تقصیر در تسبیب است به عبارتی آیا در تسبیب وجود تقصیر شرط هست یا خیر ؟ از تعریفی که برای تسبیب ذکر شده نمی توان شرط تقصیر را استنباط کرد و در کلام فقها هم چنین تصریحی وجود ندارد . که آیا تقصیر شرط مسولیت است یا خیر ؟! ولی با بررسی و تفحص در مصادیق تسبیب ملاحظه می شود که فقها بیشتر تمایل

دارند که تقصیر سبب را شرط بدانند، هر چند در همه موارد این شرط را ذکر نکرده اند.

قاضی ابن براج در مورد جنایتی که بر اثر خراب شدن دیوار بوجود می آید اعتقاد دارد که «اگر دیوار در ملک شخص بصورت صحیح ساخته شود و دیوار ساقط گردد و موجب تلف کسی گردد ضمانتی متوجه صاحب دیوار نیست اما اگر دیوار به سوی جاده و یا ملک دیگری کج شده باشد و صاحب دیوار از آن آگاهی داشته باشد و قدرت تعمیر نیز داشته باشد باید دیه اتلاف ناشی از خراب شدن آنرا بدهد.» (ابن براج؛ ۱۴۰۶: ۲۰۴)

یا در تحریر الوسیله آمده است «اگر کسی سنگی را در ملکش و یا ملک مباح قرار دهد یا چاهی را حفر نماید یا میخی را به زمین کوبد یا چیزهای لغزنده ای را پرت کند و مانند اینها دیه کسی را که افتاده ضامن نیست و اگر در راه مسلمین یا در ملک دیگری بدون اذن او باشد براو در مالش ضامن است و اگر این را به خاطر مصلحت عابران انجام دهد ظاهر عدم ضمان است . . .» (امام خمینی؛ ۱۳۷۹: ۹۴۴) یا در مسأله دیگر آمده است «اگر به مقدار نیاز آتش در ملک خودش روشن کند در صورتی که احتمال تعدی ندهد بدون اشکال اگر تعدی اتفاق بیفتد و نفس و یا مالی را تلف نماید ضامن نمی باشد» (امام خمینی؛ ۱۳۷۹: ۹۴۶) و حتی در جایی [به عنوان یک قاعده] می فرمایند: «هر چیزی که انجام دادن آن از نظر شرعی مجاز و مأذون باشد هر گاه چیزی به سبب آن تلف شود مسئولیت جنایی ندارد و ضمان آور نیست»^۱

^۱- كل ما هو مأذون فيه شرعاً ليس فيه ضمان ما تلف لاجله وكل ما هو غير مأذون فيه ففيه الضمان.

(امام خمینی؛ ۱۳۷۹: ۹۴۵) گروهی از فقها^۱ از جمله مرحوم آیت الله خوئی در کتاب مبانی تکمله المنهاج با نظر فوق موافق است (خوئی: ۱۴۲۲: ۳۰۰) بنابراین از عبارات فقها هم شرط تقصیر برای مسولیت به خوبی فهمیده میشود. هر چند از کلام برخی از فقها نظر مخالف هم استنباط می شود.^۲

از دیدگاه حقوقی در قانون مجازات اسلامی بیشتر مصادیق و نمونه هایی که برای سبب ذکر شده است اشاره به شرط تقصیر دارد (مواد ۳۴۱ تا ۳۶۲ ق.م.ا.و مواد هم که بصورت مطلق بیان شده اند (مثل ماده ۳۶۱ ق.م.ا) قابل حمل بر مواد مقید است. (زراعت: ۱۳۸۰: ۲۷۵ و نیز رک: حیدری؛ ۱۳۸۷: ۵۱) وبا نگاهی به رویه قضایی ملاحظه می شود که رویه قضایی هم بیشتر تمایل به نظریه شرط تقصیر برای مسولیت سبب کرده است.^۳

۲ - مقایسه سبب با مفاهیم مشابه

۲-۱ - مقایسه سبب با شرط :

شرط علتی است که جرم را ایجاد نمی کند بلکه وجود آن موجب میشود که فعل دیگری جرم را تحقق بخشد و علت آن باشد مثل اینکه انسانی دیگری را در چاهی که شخص سومی برای هدفی غیر از قتل حفر کرده است بیندازد و به مرگ منجی علیه منجر شود. پس آن چیزی که مرگ را ایجاد کرده و علت آن بوده است همان

^۲- شیخ طوسی در کتاب المبسوط والنهایه، شهید ثانی در مسالک الافهام و محقق حلی در شرایع الاسلام موافق این نظر هستند.

^۳- شیخ مفید در کتاب المقننه و صاحب جواهر در جواهر الکلام و فخر المحققین در ایضاح الفوائد.

^۴- رای شماره ۱۲۷-۱۳۴۸/۸/۱۲ هیئت عمومی دیوانعالی کشور- رای شماره ۸۲-۱۲/۲-۱۳۴۶ هیئت عمومی دیوانعالی کشور.

انداختن او در چاه بوده نه حفر چاه . اما اگر حفر چاه نبود انداختن ممکن نبود اثری داشته باشد پس وجود چاه شرط ارتکاب جرم قتل است که به سبب انداختن در چاه تحقق یافته است (عوده؛ ۱۳۷۳: ۱۸۱) به عبارتی شرط چیزی است که تأثیر گذاری مؤثر و علت موقوف بر آن باشد ولیکن مع الواسطه و بلا واسطه مدخلیتی در علیت و تولید ندارد و جرم مستند به علت یا سبب خاص خود است و عرفاً حوادث را به چنین شرایطی نسبت نمی دهند . ولی سبب به آنچه که جرم را نه به خودی خود بلکه به واسطه ایجاد کند و علت جرم نباشد گفته می شود به عبارتی سبب چیزی است که اگر نباشد مسبب به وجود نمی آید اما علت به وجود آمدن مسبب چیز دیگری است . مانند گذاشتن سنگ در معبر عمومی که کسی با آن برخورد کند و موجب تلف وی شود در اینجا علت صدمه ، برخورد با سنگ است اما اگر سنگ نبود این تصادم هم بوجود نمی آمد . از ملاحظه این تعریفها به دست می آید که اولاً شباهت سبب و شرط آن است که اگر هر دو نباشند نتیجه نیز به وجود نمی آید . به عبارت دیگر هر دو ذاتاً و بی واسطه در ایجاد تلف دخالت ندارند آنگونه که علت یا مباشر دخالت دارد بلکه علت ایجاد تلف را پدید می آورند (چهکندی؛ ۱۳۸۸: ۱۵) و ثانیاً رابطه سبب و جرم نزدیکتر از رابطه شرط و جرم است و اگر در وقوع جرمی شرط و سبب هر دو فراهم باشد بدون شک باید سبب را مسؤل دانست (زراعت : ۱۳۸۰ : ۲۶۹) و ثالثاً تأثیر سبب در وقوع مسبب قوی تر از تأثیر شرط در تحقق نتیجه است و شرط زمینه ساز است به گونه ای که در عرف جنایت منتسب به آن نمی شود (شهید ثانی؛ ۱۴۱۶: ۱۶۳- علامه حلی؛ ۱۴۱۹: ۲۲۱- خوانساری؛ ۱۴۰۵: ۲۰۷) (

البته لازم به ذکر است که عدم مسولیت شرط در صورتی است که شرط بدون قصد ایجاد شده باشد و بصورت اتفاقی زمینه وقوع جرم را فراهم آورده باشد . اما چنانچه

شرط تعمداً ایجاد شده باشد در مورد عمل خویش مسولیت کیفری دارد. پس اگر شخصی در چاهی که برای آبیاری حفر شده است سقوط کند و به این سبب هلاک شود هیچ مسولیتی متوجه حفر کننده چاه نمی گردد اما اگر چاه را به قصد تسهیل جرم انجام داده باشد مسول است. (عوده؛ ۱۳۷۳: ۱۸۱ و قیاسی و دیگران؛ ۱۳۸۸: ۱۶۲)

۲ - ۲ - مقایسه سبب و معاون

تسبیب و معاون از جهاتی با هم اشتراک و افتراق دارند، وجه اشتراکشان از این جهت است که هر دو در عنصر مادی جرم دخالت مستقیم ندارند بلکه به صورت غیر مستقیم در وقوع جرم دخیل هستند.

ولی وجود افتراق تسبیب و معاونت در این است که:

- از لحاظ عنصر روانی: برای تحقق معاونت وجود توافق و همدلی بین مجرم اصلی و معاون در خصوص جرمی که از ناحیه مجرم اصلی صورت می گیرد ضرورت دارد ولی در مورد تسبیب در جرم ممکن است شخص سبب وقوع جرمی شناخته شود هر چند برای ارتکاب جرم با دیگری همدلی و توافق نکرده باشد. بلکه همین اندازه که با اقدام خود زمینه وقوع جرم را بطور غیر مستقیم فراهم می کند جرم به او نسب داده می شود هر چند قصد حصول نتیجه مجرمانه را هم نداشته باشد. (موسوی بجنوردی؛ ۱۳۸۴: ۲۱۱)

و اگر بین سبب و مباشر وحدت قصد و همدلی وجود داشته باشد در این صورت بحث معاونت و مباشرت مطرح میشود نه سبب و مباشرت. (رک، قیاسی و دیگران؛ ۱۳۸۸: ۱۶۳)

- از لحاظ مجازات: مجازات معاون جرم با توجه به ماده ۴۳ و ماده ۷۲۶ ق. م. ا و سایر مواد خاص تعیین می شود و اصولاً هم مجازات معاون (با توجه به نقش فرعی

که نسبت به مباشر دارد) کمتر از مجازات مباشر است. در حالیکه در تسبیب؛ مسبب بر اساس عنصر روانی غالباً همانند مباشر مجازات می شود.

- از لحاظ قلمرو: معاونت در تمامی جرایم قابل تحقق و تصور است ولی تسبیب در برخی جرایم امکان وقوع ندارد مثلاً در جرایم حدی از جمله حد زنا یا لواط امکان تحقق جرایم بصورت تسبیب وجود ندارد. تحقق معاونت در جرم اصولاً وابسته به وجود مباشر و تابع جرمی است که عملیات مادی آن بوسیله دیگری به انجام رسیده است در حالی که در تسبیب کسی به طور غیر مستقیم سبب جرمی شود عدم قابلیت انتساب جرم به مباشر اصلی آن رافع مسولیت کیفری او نخواهد شد.

۳-۲- مقایسه تسبیب با اتلاف

- در اتلاف تقصیر شرط ایجاد مسولیت نیست و به عبارتی در اتلاف کسی که از روی عمد یا غیر عمد به دیگری خسارت یا جنایتی وارد کند مسئول است ولی در تسبیب کاری که به مسبب نسبت داده می شود باید در نظر عرف عدوان و خطا باشد.

- در اتلاف شخص به طور مستقیم و بی آنکه واسطه ای در کار باشد مال دیگری را تلف می کند ولی در تسبیب برای اتلاف مقدمه سازی میشود و احتمال دارد که آن مقدمه نیز هیچ گاه به اتلاف منجر نشود.

- اتلاف تنها با انجام دادن کار و فعل مثبت تحقق می پذیرد و هیچ گاه ترک فعل از مصادیق اتلاف نمیباشد. در حالی که تسبیب ممکن است نتیجه انجام دادن کار یا خود داری از آن باشد. (کاتوزیان؛ ۱۳۸۲: ۲۱۷؛ خوانساری؛ ۱۴۰۵: ۲۰۴)

۳- شرایط تسبیب

تسبیب در صورتی موجب مسولیت و ایجاد ضمان میکند که دارای شرایطی باشد.

- باید بین فاعل سبب و وقوع نتیجه چنان ارتباطی باشد که عرف بدون مسامحه نتیجه را به وی استناد دهد. پس اگر عاملی رابطه میان سبب و نتیجه را قطع کند به نحوی که عرف تلف و نتیجه را به این فعل نسبت دهد، در این صورت فاعل سبب مسول نخواهد بود. (گروه پژوهشی حقوق؛ ۱۳۸۳: ۱۵۴)

- تسبیب باید به اراده یا فعل انسان باز گردد نه به عوامل طبیعی یا حیوان. بنابراین اگر بر اثر یکی از عوامل طبیعی، مانند سیل و غیره یکی از چیزها مثل قرار گرفتن چیز لغزنده در راه حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچ کس ضامن نیست.

- همانطور که قبلاً هم گفته شد سبب در صورتی موجب مسولیت است که عدوانی باشد و بنابراین هر چیزی که انجام دادن آن از نظر شرعی مجاز و مأذون و غیر عدوانی باشد هرگاه چیزی به سبب آن تلف شود هر چند شرایط دیگر را داشته باشد مسولیت آور نیست (فیض؛ ۱۳۸۱: ۳۶۲)

۴- حدود مسولیت سبب

در جایی که جرم باتسبیب واقع می شود حتماً مباشری هم وجود دارد چون فرض بر این است که سبب با واسطه عمل می کند و آن واسطه که جرم مستقیماً به آن مستند است همان مباشر جرم است که می تواند انسانی دیگر، خود مجنی علیه، یک حیوان یا عامل طبیعی باشد (قیاسی و دیگران: ۱۳۸۸: ۱۵۸) ولی اصولاً در مواردی که مباشر جرم فاقد مسولیت باشد و به عبارتی جرم به مباشر قابلیت استناد نداشته باشد از لحاظ حقوقی و قضایی این نوع مباشرت مورد اعتنا واقع نشده و ارتکاب جرم بصورت تسبیب محض مطرح می شود. (پورباقرانی؛ ۱۳۸۸: ۶۴)

همچنین در برخی موارد مباشر و سبب در وقوع جرم دخالت دارند یا اینکه در وقوع جنایتی نقش دارند، حال حدود مسولیت سبب را در هر یک از فروعات مذکور مورد بررسی قرار میدهیم.

۱- ۴- تسبیب محض

بر اساس تعریف فقها و ماده ۳۱۸ ق. م. ا از تسبیب؛ می توان گفت که تسبیب عبارت است از ارتکاب جرم با واسطه است بدون اینکه مستقیماً مرتکب جنایت شود. مثل کندن چاه و افتادن دیگری در آن. و بر اساس ماده ۳۱۶ ق. م. ا؛ جنایت اعم از آن است که به مباشرت یا تسبیب واقع شود. و چگونگی حدود این مسولیت بستگی به عنصر روانی مسبب دارد و بر خلاف نظر عده ای که معتقدند که تقسیم بندی سه گانه قتلها در باب مباشرت مطرح می شود نه در تسبیب و در ضمن با توجه به عدم وجود چنین جایگاهی در تسبیب دیه را همیشه جانی می پردازد نه عاقله (پوربافرانی: ۱۳۸۸: ۱۶۷-۶۵) و به نظر می رسد که این اعتقاد بدون توجه به مبانی فقهی است. ولی نکته ای که در اینجا دوباره باید یادآور شد اینکه در برخی از جرایم؛ تسبیب قابل تصور نیست مثل برخی از جرایم حدی. ولی همه جرایم امکان وقوع بصورت مباشرت را دارند.

۲- ۴- اجتماع سبب و مباشر در ارتکاب جرم

مسأله اجتماع سبب و مباشر یکی از مباحث مطرح در فقه و حقوق ایران است. در حقوق سایر کشورها مسأله اجتماع سبب و مباشر تحت عنوان سبب نزدیک^۱ و سبب بعید^۲ مطرح گردیده است. (لفو؛ ۱۳۸۳: ۵۲ به بعد) با توجه به اینکه در این فرض دو

۱-Direct cause

۲-remote cause

عامل در وقوع جرم تأثیر دارند باید دید که امکان استناد جرم به کدام یک وجود دارد. البته لازم به ذکر است که گاهی ممکن است سبب و مباشر در یک شخص جمع شوند مانند آنجایی که حفر کننده چاه دافع مجنی علیه در آن چاه هم باشد در چنین صورتی چون جانی یک شخص است ضمان هم متوجه وی خواهد بود (حیدری؛ ۱۳۸۷: ۵۸) اما در مواردی که سبب و مباشر دو نفر یا بیشتر هستند در این صورت ، موضوع تعیین مسئولیت سبب و مباشر از یکی از سه حالت ذیل خارج نیست .

۱-۲-۴- بیشتر بودن تأثیر مباشرت از سبب (قاعده کلی)

اگر سبب و مباشر با هم در ارتکاب جرمی دخالت داشته باشد در این صورت به اجماع فقهای اسلام مباشر ضامن است نه فاعل سبب (نجفی؛ ۱۳۷۴: ۵۴) زیرا فعل مباشر به منزله علت و سبب به منزله شرط بوده است و واضح است که استناد تلف به علت قوی تر از استناد آن به شرط است . براین اساس اگر کسی چاهی حفر کند و دیگری شخص ثالثی را در چاه اندازد مباشر یعنی کسی که ثالث را در چاه انداخته مسؤل است زیرا عمل کسی که دیگری را در چاه می اندازد با کسی که چاه را حفر کرده هرگز تأثیر یکسانی ندارد و بدیهی است که عقل از میان این دو نفر کسی را مسؤل می شناسد که رابطه اش با جنایت نزدیکتر باشد. (اردبیلی؛ ۱۴۱۶: ۵۰۱) هرچند این نظریه از سوی برخی از فقها از جمله صاحب ریاض مورد ایراد واقع شده است و معتقد است که حدیث لاضرر اقتضاء دارد هر کس در ایراد ضرر دخالت داشته باشد مسؤل جبران است و بنابراین قوی تر بودن مباشر مانع ضمان سبب نیست و هر دو ضامن هستند و زیان دیده می تواند به هر کدام که بخواهد رجوع کند (نجفی؛ ۱۳۷۴: ۵۵) صاحب عناوین در این مورد می گوید: مباشرت و تسبیب موضوعیت ندارد و دلیلی بر تقدم یکی بر دیگری در صورت اجتماع وجود ندارد بلکه مبنای مسولیت این

است که فعل زیانبار عرفاً به شخص استناد داشته باشد بنابراین باید معیار را صدق عرفی تلف دانست و عرف گاهی تلف را به مباشر و گاهی به سبب و گاهی به هر دو نسبت می دهد. (حسینی مراغی، ۱۴۲۵: ۴۳۵)

از نظر حقوقی؛ قانون مجازات اسلامی هم در ماده ۳۶۳؛ از نظر مشهور فقها تبعیت کرده است و مقرر داشته است که در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب (قوی از مباشر باشد). در این حکم تفاوتی بین اینکه سبب در ملک مباح ایجاد شود یا در ملک غیر و به نحو عدوانی نیست (گروه پژوهشی حقوق، ۱۳۸۳: ۱۵۵)

نکته ای که در اینجا ذکر آن لازم است اینکه؛ مسولیت مباشر در صورتی که سبب قصد وقوع جنایت را نداشته باشد محرز است اما اگر سبب قصد وقوع جنایت را داشته باشد آیا باز هم مباشر مسولیت دارد؟ در این صورت ممکن است ابتدا به نظر برسد به دلیل همکاری و مشارکت سبب و مباشر و قصد قبلی آنها در ایجاد نتیجه هر دو مسولیت دارند زیرا می توان عرفاً نتیجه را به هر دو نسبت داد اما با توجه به اینکه نوع اقداماتی که سبب و مباشر انجام داده اند و تأثیر آنها در ایجاد نتیجه متفاوت است (یکی مستقیم و دیگری غیر مستقیم) به نظر می رسد در این صورت نیز نتیجه به مباشر نسبت داده می شود و سبب صرفاً به عنوان معاون مسولیت دارد. به همین دلیل در قصاص گفته شده ممسک (سبب) حبس و مباشر قصاص می شود (قیاسی و دیگران؛ ۱۳۸۸: ۱۶۳؛ زراعت؛ ۱۳۸۰: ۴۳۸؛ آقائی نیا؛ ۱۳۸۴: ۴۷)

۲-۲-۴- اقوی بودن سبب از مباشر

چنانچه تأثیر سبب بر وقوع جرم بیشتر از مباشر باشد طبیعی است که نتیجه به سبب نسبت داده خواهد شد و به عبارتی مسولیت با سبب اقوی است و فقها در این مورد

اتفاق دارند (نجفی ؛ ۵۶:۱۳۷۴؛ امام خمینی ؛ ۱۳۷۹: ۹۴۸) حال سوالی که مطرح می شود اینکه در چه مواردی سبب قوی تراز مباشر است ؟ قانون مجازات اسلامی معیار خاصی برای تشخیص اقوی بودن سبب از مباشر ارائه نکرده است ، و فقط در ماده ۳۶۳ بیان داشته است «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد » و در کلام فقها و حقوق موضوعه هم ملاک و معیار خاص برای اقوی بودن سبب از مباشر ارائه نشده است هر چند در کلام فقها و حقوق موضوعه مصادیقی از اقوی بودن سبب از مباشر بیان شده است برخی از مصادیق مذکور را می توان در عناوین ذیل ذکر کرد .

الف) جایی که مباشر فاقد اهلیت کیفری باشد مانند اینکه مباشر حیوان ، مجنون ، صغیر یا حادثه طبیعی باشد . در چنین مواردی نتیجه منتسب به مباشر نیست بلکه صرفاً منتسب به سبب است البته این در صورتی است که ایجاد کننده سبب علم داشته باشد یا دست کم احتمال دهد که چنین نتیجه ای بر عمل او مترتب خواهد شد (قیاسی و دیگران ؛ ۱۳۸۸: ۱۶۴ و میر محمد صادقی ؛ ۱۳۸۶: ۵۰)

بر عکس اگر مباشر فاعل مختار و عاقل باشد و بداند بر کاری که انجام می دهد تلف مترتب می شود شکی نیست که در این صورت تنها او ضامن است و هیچ ضمانتی اصلاً بر سبب مترتب نمی شود (موسوی بجنوردی ۱۳۷۹: ۱۸) مگر اینکه سبب نیز عالم و آگاه باشد که در این صورت بحث معاونت مطرح خواهد شد .

قانون مجازات اسلامی در برخی مواد قانونی به این مصداق از اقوی بودن سبب از مباشر اشاره داشته است تبصره ۲ ماده ۱۹۸ ق.م.ا بیان داشته است « بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیر ممیز و حیوانات و امثال آن در حکم مباشرت است » یا در ماده ۳۵۷ ق . م . ا آمده است « صاحب هر حیوانی که خطر حمله و

آسیب رساندن آنرا می داند باید آنرا حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده دار می باشد...»

همانطور که در مواد فوق ملاحظه می شود مباشر صغیر، دیوانه و یا حیوان می باشد و جرم به مباشر قابلیت استناد ندارد و به عبارتی مباشران فوق در حکم وسیله هستند و بنابراین اسباب قویتر از مباشران هستند.

ب) در صورتی که مباشر جاهل باشد: هرگاه مباشر جرم با این که بالغ و عاقل و مختار است ولی نسبت به حکم یا موضوع جاهل باشد و سبب نسبت به حکم و موضوع علم آگاهی داشته باشد در این صورت نیز سبب ضامن و مسول شناخته می شود (فیض؛ ۱۳۸۱؛ ۳۶۸) به عبارتی در این موارد سبب باعث غرور و فریب یا اشتباه مباشر گردیده و در نتیجه مسئولیت از مباشر به سبب منتقل می شود مثل اینکه پزشک داروی سمی به بیمار تجویز کرده و پرستار بدون علم به آن؛ دارو را به بیمار داده و در نتیجه بیمار فوت کرده است.

ج) اکراه: در غیر اکراه به قتل؛ چنانچه مباشر در اثر اکراه سبب مرتکب جرم شده باشد مسولیتی متوجه او نخواهد بود و مسولیت بر عهده مکره است. چرا که در اینجا مباشر خواست و اراده اکراه کننده را اجرا می کند و بنابراین او فاقد هرگونه سوءنیت و فاقد خواست قبلی در ارتکاب جرم است و در همین راستا است که ماده ۵۴ ق. م. ا مقرر نموده است «در جرایم موضوع مجازاتهای تغیری یا باز دارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادت قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد در این مورد اجبار کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می

گردد» اما در مورد اکراه در قتل^۱؛ به عقیده بیشتر فقها مسولیت مباشر یعنی اکراه شونده به سبب (اکراه کننده) منتقل نمی شود. زیرا ترجیحی وجود ندارد که کسی برای حفظ جان خود دیگری را به قتل برساند. ماده ۲۱۱ ق.م.ا. به تبعیت از نظر فوق در این زمینه مقرر نموده است: «اکراه در قتل و یا دستور به قتل دیگری مجوز قتل نیست بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند یا دستور به قتل رساندن دیگری را بدهند مرتکب قصاص می شود و اکراه کننده و آمر به حبس ابد محکوم می گردند.

تبصره ۱- اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است.

تبصره ۲- اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شود بلکه باید عاقله اودیه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است»

علت متمایز بودن حکم تبصره ۱ و ۲ این است که در تبصره ۲ جرم به سبب قابل استناد نیست ولی در تبصره ۱ جرم به سبب قابل استناد است.

از توجه به موارد سبب اقوی از مباشر می توان این قاعده را به دست آورد که در سبب عمدی اقوامی از مباشر سبب خواهان ارتکاب جرم است و آن را از طریق افراد جاهل یا فاقد قوه تمییز انجام می دهد به عبارت دیگر سبب رکن روانی جرم یعنی قصد جرم را داشته ورکن مادی آنرا از طریق مباشر جاهل یا مجنون انجام می دهد. (پوربا فرانی؛ ۱۳۸۸: ۶۸)

^۱-فقها در حدود نیز اکراه کننده را مستحق حد نمیدانند و معتقدند که این جرایم بصورت تسبیب تحقق پیدا نمی کند.

۳-۲-۴- تساوی نقش سبب و مباشر

به این ترتیب که اگر اثر سبب و مباشر در ایجاد جرم مساوی باشند مسولیت متوجه کدام یک از آنها است؟ بعضی ها شرکت آن دو را در ضمان ترجیح داده اند (رشتی؛ ۳۷-۴۰ و کاتوزیان؛ ۱۳۸۲: ۲۱۹؛ امامی؛ ۱۳۷۶: ۳۹۶؛ زراعت؛ ۱۳۸۱: ۴۳۹) و بعضی دیگر حکم را به داوری عرف واگذارنده (مراغی؛ ۱۴۱۷: ۲۹۱) ولی دیدگاه مشهور فقها در این رابطه (معاف بودن سبب و حکم بر مسولیت مباشرت است و تفاوتی بین این صورت واقوی بودن مباشر از سبب وجود ندارد). (نجفی؛ ۱۳۷۴: ۹۴۸؛ امام خمینی؛ ۱۳۷۹: ۵۴ و ۵۵؛ حلی؛ ۱۴۱۹: ۵۹۲؛ حسینی عاملی؛ ۱۴۲۸: ۴۱؛ روحانی؛ ۱۴۱۴: ۲۲۸)

در واقع نظریه مشهور با تکیه بر نزدیکتر بودن اقدام مباشر او را عامل تلف شمرده اند و نظریه سبب نزدیک و بی واسطه را اعمال کرده اند زیرا معمولا تلف به عامل نزدیک استناد دارد به عبارت دیگر فعل مباشر به منزله علت و سبب به منزله شرط است و پیداست که استناد تلف به علت قوی تر از استناد آن به شرط می نماید (چکهندی؛ ۱۳۸۹) از نظر حقوقی ماده ۶۹ قانون دیات مقرر می داشت « هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی به نحو سبب و دیگری به نحو مباشر دخالت داشته باشد، در صورتی که تأثیر هر دو برابر باشد یا تأثیر مباشر بیشتر باشد فقط مباشر ضامن است » ماده ۳۶۳ ق. م. ا که جایگزین ماده ۶۹ شده است به این حالت بصورت صریح اشاره نکرده است. هر چند از ظاهر ماده مسولیت مباشر، در صورت تساوی مباشر و سبب استنباط می شود. اما این حکم قابل تأمل است. زیرا اگر چه علی القاعده تا مباشر باشد نوبت به سبب نمی رسد اما اگر در فلسفه این قاعده توجه کنیم در می یابیم که علتش آن است که تأثیر مباشر بیشتر از تأثیر سبب است. بنابراین در جایی که تأثیر سبب و مباشر مساوی باشد عدالت اقتضا می کند که بار مسولیت

بردوش هر دو قرار گیرد زیرا ملاک تحقق ضمان و مسولیت در هر دو وجود دارد .
(کاتوزیان ؛ ۱۳۸۲ : ۲۱۹؛ زراعت ؛ ۱۳۸۰ : ۴۳۹- قبله ای خویی ؛ ۱۳۸۰ : ۱۸۱ ؛ عوده ؛ ۱۳۷۳ : ۱۸۵ ؛
عالم زاده ؛ ۱۳۸۷ : ۱۵۳)

۳-۴- اجتماع اسباب

هرگاه پیش از حدوث جنایت یا مقارن با آن بدون آنکه مباشری در میان باشد دو یا چند سبب با هم اجتماع کنند این وضعیت را « اجتماع اسباب » می گویند (گروه پژوهشی حقوق ؛ ۱۳۸۳ : ۱۶۰) در مورد اجتماع اسباب از نظر تأثیر ؛ یا همزمان در وقوع جنایت تأثیر می گذارند و به عبارتی این اسباب در عرض یکدیگر قرار داشته و هم زمان نتیجه مورد نظر را بوجود می آورند و یا اینکه ؛ تأثیر یکی در زمان بر دیگر تأثیرها پیشی می گیرد یعنی اجتماع اسباب در طول یکدیگر است .

در مورد فرض اول ؛ که اصطلاحاً اشتراک اسباب نامیده می شود . مثل اینکه ، چند نفر باهم یک بشکه روغن را روی جاده بریزند و شخص مورد نظر در اثر لغزش ؛ صدمه ببیند یا فوت کند ؛ همه مسببها مسولیت دارند و به نظر مشهور ضمان بطور مساوی بر همه توزیع می شود (نجفی ؛ ۱۳۷۴ : ۱۴۸ ، محمدی ؛ ۱۳۸۲ : ۳۵) خواه تأثیر هر یک مساوی باشد یا متفاوت . بر همین اساس ماده ۳۶۵ ق . م . ا مقرر نموده است « هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی بشوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود » دلیل این حکم آنست ؛ که همانطور که در صورت مباشرت چند نفر در جرم (شرکت) مسولیت همه آنها مساوی است پس در صورت تسبیب چند نفر به طریق اولی باید مسولیت آنها مساوی باشند .

ولی در مورد فرض دوم ؛ که اسباب از نظر زمانی به دنبال یکدیگر و هر کدام متعاقب دیگری واقع شده است و مجموع آنها به وقوع جرم منجر می شود ؛ این

بحث مطرح می شود که مسولیت به عهده کدام یک از اسباب است؟ در این فرض مطابق نظر مشهور فقها سبب «مقدم درتأثیر» بر سایر اسباب مرجع است (نجفی، ۱۳۷۴: ۱۴۶) بنابراین اگر کسی در معبر عموم چاهی بکند و دیگری در دهانه آن سنگی قرار دهد و عابر بر اثر برخورد با آن سنگ به درون چاه سقوط کند و آسیب ببیند کسی که سنگ را نهاده مسئول است. و یا اینکه کسی چاهی حفر کند و شخص در داخل آن چاه چاقویی نصب کند و کسی در اثر سقوط در چاه و به سبب برخورد؛ چاقو صدمه ببیند حفر کننده چاه مسول است و ماده ۳۶۴ ق. م. ا از همین نظریه پیروی کرده است. البته لازم به ذکر است که این در صورتی است که همه اسباب به صورت عدوانی و غیر مجاز عمل کرده باشند و گرنه عملی که شخص مجاز به انجام آن بوده یا در راستای مصلحت عموم انجام داده باشد موجب مسولیت نخواهد بود و معیارهای تشخیص عدوانی بودن عمل عواملی است مثل «خروج مرتکب از حد متعارف» «انجام دادن کار بدون اذن» و «یا انجام کار بدون رعایت موازین و مقررات» او نه ارتکاب آن از روی سوء نیت (میر محمد صادقی؛ ۱۳۸۶: ۵۴) شهید ثانی علت این حکم را چنین استدلال می کند:

الف) وقتی که مجنی علیه به سنگ برخورد می کند بی اختیار در چاه می افتد یعنی واضع حجر مانند آن است که وی را پرت کرده باشد همانطور که وقتی کسی دیگری را پرت کند مباشر مسول است. واضع حجر نیز مسول افتادن در چاه است. چنانچه اگر وی را پرت می کرد دافع مسول بود نه حافر چاه، اینجا نیز واضع حجر ضامن است.

ب) وقتی که منجی علیه به سنگ برخورد نمود ضامن متوجه واضع سنگ می شود و با افتادن شخص در چاه شک می کنیم که آیا مسولیت سبب سابق زایل شده است یا

خیر استصحاب ضمان می شود (شهید ثانی؛ ۱۴۱:۳۸۱؛ نجفی؛ ۱۳۷۴: ۱۴۶) به نظر برخی این دلایل به دلایلی مخدوش بوده و قابل قبول نیست .

۱- قیاس گذاردن سنگ به پرت کردن مع الفارق است زیرا در دومی اجتماع سبب و مباشر است که سبب اقوی بودن مباشر او مسئول است خوردن به سنگ سبب قتل نیست ولی پرت کردن در چاه کشنده است پس وضع حجر علت مرگ نیست مگر اینکه وجود چاه را ضمیمه کنیم بنابراین به مقتضای قاعده تسبیب مسولیت متوجه هر دو سبب است (مرعشی؛ ۱۳۷۹: ۱۵۲- قیاسی و دیگران؛ ۱۳۸۸؛ ۱۷۸؛ خونی؛ ۱۴۲۲: ۳۲۲)

۲- با برخورد شخص به سنگ ضمان بوجود نمی آید بلکه بعد از کشته شدن فرد ضمان حاصل می شود پس موضوع استصحاب اصلاً محقق نشده است . (مرعشی ، ۱۳۷۹: ۱۵۲)

به عبارت دیگر در اینجا ارکان استصحاب خصوصاً وحدت متعلق یقین و شک مشاهده نمی شود چرا که معلوم نیست که با تأثیر سبب اول حتماً مرگ حاصل می شود تا آن را استصحاب کنیم و حکم به ضمان صاحب این سبب کنیم (گرجی؛ ۱۳۸۰: ۱۰۸؛ خونی؛ ۱۴۲۲: ۳۲۲؛ میر محمد صادقی؛ ۱۳۸۶: ۵۳)

در مقابل نظریه مشهور؛ آرای دیگری وجود دارد که به خاطر جلوگیری از اطاله کلام از توضیح بیشتر در مورد آنها صرف نظر می شود زیرا برخی معتقدند که سبب اقوای در تأثیر بر سایر اسباب ترجیح دارد به موجب این نظریه از میان اسبابی که در وقوع جنایت سهمند سببی ضامن است که قوی تر از بقیه سببها است (نجفی ۱۳۷۴؛ ۱۴۸) و برخی دیگر « سبب متأخر در حدوث » را بر اسباب دیگر ترجیح می دهند برابر این نظریه؛ سببی ضامن است که از نظر زمانی بعد از سبب دیگر بوجود آمده باشد . در مثال چاه و سنگ؛ اگر چاه زودتر حفر شده باشد ایجاد کننده آن مسول نخواهد بود

بلکه کسی ضامن است که بعد از حفر چاه سنگی را در نزدیکی آن نهاده است (فاضل هندی؛ ۱۴۱۶: ۴۸۹) و گروهی دیگر هم «اشتراک در ضمان» را احتمال داده اند و تلف را منسوب را به هر دو سبب می دانند (محقق حلی؛ ۱۴۰۸: ۲۴۱؛ خوئی؛ ۱۴۲۲: ۳۲۲) به عنوان آخرین کلام و قضاوت نهایی در مورد نظریات مطرح شده؛ باید گفت که نظر مشهور «سبب مقدم در تأثیر» به دلیل ایرادهای وارد شده در عمل قابل اجرایی ندارد و از نظریات مطرح شده هم عدل و انصاف اقتضا می کند که در صورت وجود اسباب مؤثر در وقوع حادثه؛ همه اسباب به نسبت تأثیری که در نتیجه داشته اند مسول باشند و این امر مطمئناً از طریق کارشناسی صورت می گیرد و البته لازم به ذکر است که رابطه علیت و استناد بین نتیجه و هر یک از اسباب متعدد از نظر عرفی وجود داشته باشد

۲- فاعل معنوی

در کنار مباشر جرم (که از آن به «مباشر مادی» جرم یاد می شود) به عنوان یکی از اشخاص مداخله کننده در ارتکاب جرم، عنوان دیگری نیز در منابع و نوشته های حقوق ذکر شده است که از آن به فاعل معنوی یاد می شود. حال منظور از اصطلاح فوق چیست؟ و آیا در قوانین ما چنین اصطلاحی پیش بینی شده است یا خیر؟ و ارتباط آن با تسبیب چیست؟ به بررسی این موضوع پرداخته می شود.

۲-۱- تعریف و مفهوم

از فاعل معنوی تعریفهای نزدیک بهم ارائه شده است. در یک تعریف آمده است «در مورد مباشرت معنوی شخص مجرم شخصاً در ارتکاب جرم دخالتی ننموده و دیگران را وادار به ارتکاب جرم می نماید ولی بار مسولیت کیفری متوجه اوست»

(محسنی ؛ ۱۳۷۶ : ۴۸) در ادامه تعریف فوق نمونه هائی از آن ذکر شده است از جمله حالت اجبار ، سوء استفاده از ضعف و بی اطلاعی دیگران .

همچنین در تبیین مفهوم فاعل معنوی نیز آمده است « با این که قانون مجازات نظریه مادی جرم و مرتکب را قبول کرده است استثنائاً کسی را که شخصاً عمل مادی تشکیل دهنده جرم را انجام نداده و فقط علت معنوی ارتکاب آن بوده است (مرتکب فکری یا معنوی) تلقی کرده است » (استقانی و دیگران ؛ ۱۳۷۷ : ۳۹۹) و در تعریف دیگر هم بیان شده است که « فاعل معنوی کسی است که جرم را توسط دیگری مرتکب شود . به سخن دیگر کسی که با داشتن اقتدار خواه در عمل و خواه به موجب قانون جرم را بی آنکه مادناً در ارتکاب آن دخالت نماید واقع می سازد » (اردبیلی ؛ ۱۳۸۶ : ۳۷)

با ملاحظه تعاریف و مفاهیم فوق می توان گفت که فاعل معنوی کسی است که جرم را مستقیماً انجام نمی دهد بلکه بواسطه و از طریق افراد فاقد مسولیت از قبیل صغیر ، مجنون ، جاهل ، حیوان و مکره و مأمور انجام می دهد . مثل اینکه شخصی مواد مخدر را از طریق شخص جاهل حمل می کند و یا اینکه سارق ، برای انجام سرقت از یک فرد مجنون یا صغیر استفاده می کند و یا اینکه دیگری را وادار و اجبار به کار می کند . اگر ملاحظه کنیم در تمام موارد فوق یک مباشر مادی جرم وجود دارد که عنصر مادی توسط او صورت می گیرد (باهری ؛ ۲۳۳ : ۱۳۸۰) و شخص دیگری که بطور غیر مستقیم در عنصر مادی جرم دخالت دارد به نحوی که صرفاً انجام جرم به او مستند است نه مباشر مادی . به عبارت دیگر گویا خود عنصر مادی را انجام داده است و وقوع نتیجه مجرمانه منتسب به فعل واراده اوست .

از نظر تاریخی نظریه «فاعل معنوی»؛ «فاعل غیر مباشر»؛ «فاعل با واسطه» یا «فاعل میانجی» ابتدا در حقوق آلمان بوجود آمد و علت پیدایش این نظریه آن بود که تئوری استعاره ای بودن معاونت مانع تعقیب اشخاص می شد که اشخاص غیر مسئول را وادار به ارتکاب جرم می کردند زیرا عمل مباشر جرم نبود تا عمل معاون نیز ماهیت مجرمانه خود را از آن بدست آورد (زراعت: ۳۰) در قوانین برخی از کشورها از جمله قانون جزای آلمان (ماده ۲۲۵) ، قانون جزای ایتالیا (ماده ۱۱۱) قانون جزای کویت (۴۷-۳) ، قانون جزای مغرب (ماده ۱۳۱) ، قانون جزای امارات متحده عربی (ماده ۴۴) و قانون جزای بحرین (ماده ۴۳) از جمله قوانینی هستند که فاعل معنوی جرم را به رسمیت شناخته اند. (همان) در هر حال می توان گفت که فاعل معنوی کسی است که جرم را یا بوسیله اشخاص فاقد مسولیت انجام می دهد و یا به وسیله اشخاصی که دارای حسن نیت هستند در واقع او (فاعل معنوی) است که خواستار نتیجه مجرمانه است و از نظر منطقی اوست که رابطه سببیت بین فعل مباشر و نتیجه مجرمانه را برقرار میکند و از این رو اثبات رابطه سببیت بین نتیجه مجرمانه و فاعل معنوی لازم است.

۲-۲- فاعل معنوی و وضعیت آن در حقوق ایران

در قوانین جزایی ایران اصطلاحی به نام « فاعل معنوی » وجود ندارد و حقوقدانان هم در بحثهای خود مثالهایی از مواد قانون را به عنوان شاهد مثال ذکر می کنند از جمله ماده ۱۶۲۱ ق. م. ۱ ؛ یا ماده ۵۳۸^۱ ، تبصره ۲ ماده ۱۹۸^۲ ، ماده ۵۱ قانون ثبت احوال^۳ ، ماده ۵۷۸ ق. م. ۱^۴ ، ماده ۵۶۸ ق. م. ۱^۵

۱- ماده ۶۲۱- هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصا" یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا

حال سوال این است که آیا چنین اصطلاحی اصلاً در حقوق ما وجود ندارد و یا سابقه نداشته است و یا اینکه وجود دارد ولی با اسم و اصطلاح دیگری بیان شده است .

با توجه به مفاهیم و تعاریف ارائه شده از فاعل معنوی به نظر نمی رسد خاستگاه اصلی چنین اصطلاحی را کشورهای اروپایی یا عربی دانست بلکه در فقه در حقوق

پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم میگردد .

۲- ماده ۵۳۸- هر کس شخصاً" یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از شش ماه تا یکسال یا به سه تا شش میلیون ریال جرای نقدی محکوم خواهد شد .

۳- تبصره ۲ - بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیر ممیز و حیوانات و امثال در حکم مباشرت است .

۴- ماده ۵۱- هر کس عالماً عامداً پدر و یا مادر طفل را به غیر از پدر و یا مادر واقعی در اسناد و دفاتر ثبت احوال اظهار و برگ ولادت یا شناسنامه دریافت کند به حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۵- ماده ۵۷۸- هر یک از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیر قضائی دولتی برای آنکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از ششماه تا سه سال محکوم میگردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم بواسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات قتل را خواهد داشت .

۶- ماده ۵۶۸- در مورد جرایم مذکور در این فصل که بوسیله اشخاص حقوقی انجام شود هر کی از مدیران و مسوولان که دستور دهند باشند ، بر حسب مورد به مجازاتهای مقرر محکوم می شوند .

ما هم چنین امری پیش بینی شده است ولی با اصطلاح و عنوان دیگری نه با عنوان فاعل معنوی.

اگر به بحثهای قبلی نگاه دوباره ای بیفکنیم ، در بحث تسبیب، یکی از مصادیق اجتماع سبب و مباشر ، اقوا بودن سبب از مباشر است و با توجه به مصادیق ارایه شده از سبب اقوی از مباشر در فقه و حقوق و مقایسه آن با تعریف و مفهوم فاعل معنوی ؛ ملاحظه می شود که این دو اصطلاح هیچ تفاوتی ما هوی از یکدیگر ندارند بلکه فاعل معنوی و سبب اقوی از مباشر منطبق بر هم و عین هم هستند و بنابراین از اینجا می توان نتیجه گرفت که فاعل معنوی به نوعی سبب است . و به عبارتی یکی از مصادیق سبب می باشد و حال سوالی که در اینجا مطرح میشود اینکه آیا هر سببی فاعل معنوی هست یا خیر ؟ به نظر جواب منفی است . چرا که در برخی موارد سبب واحد است و مباشری در وقوع جرم دخالت ندارد یا مباشر در جرم قوی است و بنابراین هر سببی فاعل معنوی نمی تواند باشد و در نتیجه می توان گفت که رابطه میان سبب و فاعل معنوی رابطه عموم و خصوص مطلق است .

ولی نکته ای که در اینجا باقی است این است که در بحث فاعل معنوی با سبب اقوی از مباشر ؛ اصولاً مباشر مادی فاقد مسولیت است و عرفاً جرم به مباشر معنوی یا سبب قابل استناد است و بنابراین مباشر معنوی مسولیت کیفری و مدنی دارد . ولی در برخی از موارد به نظر می رسد که قانونگذار از این قاعده عدول کرده است و حتی مباشر مادی را نیز جرم می شناسد در تبصره ماده ۲ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر آمده است « هرگاه ثابت شود کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه به دستور مالک یا مستاجر ملک و یا قائم مقام قانونی آنها صورت گرفته است شخص دستور دهنده که سبب بوده است به شرط آنکه اقوای از مباشر باشد به مجازاتی مقرر در این

ماده محکوم می شود و مباشر که متصدی کشت بوده است به ۱۰ تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد « این حکم با اصول حقوق جزا سنخیت ندارد چرا که اگر سبب اقوای از مباشر باشد نمی توان جرم را به مباشر مادی مستند کرد . چرا که رابطه سببیت بین نتیجه و فاعل مادی موجود نیست . مگر این ادعا را بکنیم که ماده مذکور مفهوم واقعی سبب اقوای از مباشر را ارایه نداده است .

نتیجه گیری

یکی از مصادیق دخالت اشخاص در غالب جرایم تسبیب است. و منظور آن است که جرم بواسطه انجام گیرد که ماده ۳۱۷ ق.م.ا در باب جنایات آنرا تعریف کرده است در حالیکه حق این بود که در کلیات ق.م.ا بیان می شو و علاوه بر آن تعریف ارایه شده مانع نبوده و شرط رانیز در بر میگیرد.

در مواردی که سببی در وقوع جرم دخالت دارد مباحثی هم در کار هست و اصولاً هم مسولیت با مباشر است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد که در اینصورت به دلیل عدم استناد عرفی جرم به مباشر و استناد جرم به سبب مسولیت با سبب است. هرچند در برخی از جرایم مثل برخی جرایم حدی مسولیت سبب فرق خواهد کرد.

البته در صورتی که نقش سبب و مباشر با هم مساوی باشد در اینصورت مسولیت با مباشر است و سبب به عنوان معاون جرم قابل تعقیب است. و نیز در صورتی که چند سبب در وقوع جرمی دخالت داشته باشند و به اصطلاح «اجتماع اسباب» پیش آید در اینصورت اگر اسباب در عرض هم قرار بگیرند در اینصورت «اشتراک اسباب» مطرح بوده و طبق ماده ۳۶۵ ق.م.ا مسولیت آنها بدون توجه به قوی و ضعف بودن نقش آنها در ارتکاب جرم و همانند شرکت در جرم از نظر مدنی مسولیت آنها مساوی و از نظر کیفری مجازات فاعل مستقل دارند ولی اگر اسباب در طول هم باشند علیرغم وجود نظرات مختلف در این مورد و وجود ماده ۳۶۴ ق.م.ا به عنوان نظریه قابل قبول قانونگذار؛ و با توجه به خلاف عدل و انصاف بودن ماده مذکور و عدم کارایی آن در عمل، هر سبب با توجه به میزان تقصیر و دخالتش در ارتکاب جرم و مبتنی بر نظریه کارشناسی مسولیت خواهد داشت.

و در نهایت باید گفت که علیرغم اینکه فاعل معنوی در قوانین و مقررات ایران ذکر نشده است ولی فاعل معنوی به نوعی سبب اقوی از مباشر تلقی میشود و اصطلاح ناشناخته ای در فقه و حقوق ما نیست.

منابع و مأخذ

- ۱- اردبیلی ، محمد علی ؛ حقوق جزای عمومی ؛ ج دوم ؛ چ اول ، نشر میزان ؛ تهران ، ۱۳۷۷ ،
- ۲- ابن براج ، المهذب، ج ۲ ، موسسه نشر السلامی ، ۱۴۰۶
- ۳- استفانی ؛ گاستون ؛ ژرژ لواسور ؛ برناربولوک ؛ حقوق جزای عمومی ؛ ترجمه : حسن دادبان ج اول ؛ چ اول ؛ انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی ، تهران - ۱۳۷۷
- ۴- امام خمینی ؛ تحریر الوسیله ؛ چ اول ، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ؛ تهران ، ۱۳۷۹
- ۵- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۲، نشر کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۷۶
- ۶- باهری ؛ محمد ؛ نگرشی بر حقوق جزای عمومی ، چ اول ، نشر مجد ؛ تهران ؛ ۱۳۸۰
- ۷- پور بافرانی ؛ حسن ؛ جرایم علیه اشخاص ؛ چ اول ، انتشارات جنگل ؛ تهران ، ۱۳۸۸
- ۸- رشتی ، حبیب الله ، کتاب الغصب ، چ سنگی، بی تا .
- ۹- روحانی، سید محمد صادق، فقه الصادق، موسسه دار الكتاب، چ سوم، قم، ۱۴۱۴.
- ۱۰- زراعت ؛ عباس ؛ شرح قانون مجازات اسلامی (بخش دیات)، چ اول ؛ چاپ دوم ؛ انتشارات ققنوس ؛ تهران ؛ ۱۳۸۰.
- ۱۱- زراعت ، عباس ؛ فاعل معنوی جرم ؛ نشریه پیام آموزش
- ۱۲- خوانساری، حاج سید احمد؛ جامع المدارک فی الشرح المختصر النافع، چاپ دوم، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۴۰۵

- ۱۳- خویی ، سید ابوالقاسم ؛ مبانی تکمله المنهاج ؛ ج ۲ ؛ نشر موسسه احیاء آثار خوئی قم ، ۱۴۲۲
- ۱۴- حسینی مراغی، میر عبد الفتاح، العناوین، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۵
- ۱۵- حیدری، عباسعلی؛ تحلیلی بر عوامل و موجبات ضمان دیه؛ فصلنامه فقه و مبانی حقوق، سال چهارم، ش ۱۳؛ ۱۳۸۷
- ۱۶- چهکندی، علی؛ ضمان ناشی از اجتماع مباشر و سبب و مبنای آن، فصلنامه علوم اسلامی، ش ۱۳، ۱۳۸۸
- ۱۷- کاتوزیان ، ناصر ؛ الزامهای خارج از قرار داد : ضمان قهری ؛ چ سوم ؛ انتشارات دانشگاه تهران ؛ تهران؛ ۱۳۸۲
- ۱۸- گروه پژوهشی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی ؛ قواعد فقه جزایی ؛ چ اول ؛ نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی ؛ مشهد ؛ ۱۳۸۳.
- ۱۹- گرجی ؛ ابوالقاسم ؛ دیات ؛ چ اول ؛ انتشارات دانشگاه تهران ؛ تهران ، ۱۳۸۰
- ۲۰- طوسی ، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه ، تهران؛ المکتبه المرتضویه : ۱۳۶۲
- ۲۱- طوسی ، محمدبن حسن ، النهایه ، بیروت ، دارالاندلس ، بی تا
- ۲۲- فاضل هندی، محمدبن حسن، کشف اللثام عن قواعد الاحکام ، قم ، موسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۶ ه . ق .
- ۲۳- فیض ، علیرضا، مقاونه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام ؛ چ ششم ، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تهران ، ۱۳۸۱.
- ۲۴- فخرالمحققین ، ایضاح الفوائد ، چ ۴ ، کوشانپور ، ۱۳۸۹ ق .

- ۲۵- قبله ای خوئی؛ خلیل؛ قواعد فقه؛ بخش جزا، چ اول؛ انتشارات سمت؛ تهران
۱۳۸۰،
- ۲۶- قیاسی، جلال‌الدین، تساوی سبب و مباحث در حالت تقصیر طرفین، فقه
و حقوق، ش ۱۲، ۱۳۸۶.
- ۲۷- قیاسی؛ جلال‌الدین؛ ساریخانی؛ عادل؛ خسرو شاهی؛ قدرت الله؛ مطالعه
تطبیقی حقوق جزای عمومی؛ چ اول؛ ج ۲؛ نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ قم،
۱۳۸۸
- ۲۸- لفو؛ و این آر؛ سببیت در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا؛ ترجمه: حسین
آقایی نیا؛ چ اول؛ نشر میزان؛ تهران؛ ۱۳۸۳.
- ۲۹- العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی: مسالک الافهام، موسسه المعارف
الاسلامیه، بی جا ۱۴۱۹ ق.
- ۳۰- العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی؛ الروضه البهیه فی الشرح للمعه
الدمشقیه، ج ۲، انتشارات داوری، قم، ۱۴۱۰
- ۳۱- عوده؛ عبدالقادر؛ حقوق جزای اسلامی؛ چ دوم؛ ترجمه: ناصر قربانیا، سید
مهدی منصوری، نعمت‌الله الفت؛ چ اول؛ نشر میزان؛ تهران، ۱۳۷۳.
- ۳۲- عالم زاده، محمد؛ حکم اجتماع سبب و مباشر در فقه امامیه و حقوق موضوع
ایران، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، سال چهارم، ش ۱۲.
- ۳۳- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال
والحرام، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹
- ۳۴- مرعشی؛ سید محمد حسن؛ دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، چ اول،
نشر میزان، تهران، ۱۳۷۹

- ۳۵- مرتضوی ؛ سید فتاح؛ شرح قانون مجازات اسلامی ، دیات ، چ اول، نشر مجد ؛
تهران ۱۳۸۲
- ۳۶- محقق حلی ؛ جعفر بن حسن ؛ شرایع الاسلام ؛ قم ؛ اسماعیلیان ، ۱۴۰۸ ق
- ۳۷ - محقق حلی ؛ جعفر بن حسن ؛المختصرالنافع فی فقه الامامیه؛المکتبه
الاسلامیه:۱۴۰۲ ق
- ۳۸- محمدی،ابو الحسن،قواعد فقه،چ ششم ،میزان،تهران،۱۳۸۲
- ۳۹- مفید؛ محمد بن نعمان ، المقنعه، قم ؛ جامعه مدرسین ، ۱۴۱۰ ق .
- ۴۰- موسوی بجنوردی ؛ سید محمد ؛ مجموعه مقالات فقهی ، حقوقی ، فلسفی و
اجتماعی ، ج پنجم ، چ اول ؛
انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی ؛ تهران ؛ ۱۳۸۴.
- ۴۱- موسوی بجنوردی ؛ سید محمد ؛ قواعد فقه ؛ نشر عروج ؛ چاپ سوم ؛ تهران ،
۱۳۷۹
- ۴۲- محسنی ؛ مرتضی ؛ دوره حقوق جزای عمومی (مسولیت کیفری) ؛ چ اول ، ج
۳ ، نشر گنج دانش تهران ؛ ۱۳۷۶
- ۴۳- میر محمد صادقی؛ حسین ،حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص چ اول
، نشر میران، تهران ۱۳۸۶
- ۴۴-مقدس اردبیلی،احمد؛مجمع الفائده والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان،موسسه نشر
اسلامی،چاپ اول،۱۴۱۶.
- نجفی ؛ محمد حسن ؛ جواهر الکلام، ج ۳۷و ۴۲، قم ، دارالکتب الاسلامیه ،
۴۵۱۳۷۴